



از میان برخیز...

سید شهیدان اهل قلم در آئینه روایت خویش



با شروع کار جهادسازندگی در سال ۵۸ به روستاها رفتیم که برای خدا بیل بزیم. بعدها ضرورت‌های موجود، رفته رفته ما را به فیلمسازی برای جهادسازندگی کشاند. در سال ۵۹ به عنوان نمایندگان جهادسازندگی به تلویزیون آمدیم و در گروه جهادسازندگی که پیش از ما به وسیله خود کارکنان تلویزیون تأسیس شده بود، مشغول به کار شدیم. یکی از دوستان ما در آن زمان «حسین هاشمی» بود که فوق لیسانس سینما داشت و همان روزها از کانادا آمده بود. او نیز به همراه ما به روستاها آمده بود تا بیل بزند. تقدیر این بود که بیل را کنار بگذاریم و دوربین برداریم. بعدها «حسین هاشمی» با آغاز تجاوزات مرزی رژیم بعث به جبهه رفت و روز اول جنگ در قصر شیرین به همراه یکی از برادران جهاد به نام محمدرضا صراطی اسیر شد. ما با چند تن از برادران دیگر، کار را تا امروز ادامه داده ایم. حقیر هیچ کاری را مستقلاً انجام نداده‌ام که بتوانم نام ببرم. در همه فیلم‌هایی که در گروه جهادسازندگی ساخته شده است، سهم کوچکی نیز اگر خدا قبول کند، به این حقیر می‌رسد و اگر خدا قبول نکند که هیچ. ■

باشد و خدا را شکر که بر این تصمیم وفادار مانده‌ام. البته آنچه که انسان می‌نویسد همیشه تراوشات درونی خود اوست. همه هنرها این چنینند. کسی هم که فیلم می‌سازد، اثرش تراوشات درونی خود اوست؛ اما اگر انسان خود را در خدا فانی کند، آنگاه این خداست که در آثار او جلوه گر می‌شود. حقیر این چنین ادعائی ندارم؛ اما سعیم بر این بوده است.

**رفتیم که برای خدا بیل بزیم،
بعدها ضرورت‌های موجود،
رفته رفته ما را به فیلمسازی
برای جهادسازندگی کشاند.**

حقیر متولد ۱۳۲۶ در شهری و دارای فوق لیسانس معماری از دانشکده هنرهای زیبا، دانشگاه تهران هستم. اما کاری را که اکنون انجام می‌دهم نباید با تحصیلاتم مربوط دانست. حقیر هر چه آموخته‌ام از خارج دانشگاه است. بنده با یقین کامل می‌گویم که تخصص حقیقی در سایه تعهد اسلامی به دست می‌آید و لاغیر. قبل از انقلاب، بنده فیلم نمی‌ساختم؛ اگر چه با سینما آشنائی داشتم. اشتغال اساسی حقیر قبل از انقلاب در ادبیات بوده است. اگر چه چیزی اعم از کتاب یا مقاله چاپ نکرده‌ام. با شروع انقلاب، حقیر تمام نوشته‌های خویش را اعم از تراوشات فلسفی، داستانهایی کوتاه، اشعار و... در چند گونی ریختم و سوزاندم و تصمیم گرفتم که دیگر چیزی که «حدیث نفس» باشد، ننویسم و دیگر از «خودم» سخنی به میان نیاورم. هنر امروز متأسفانه حدیث نفس است و هنرمندان گرفتار خودشان هستند. به فرموده خواجه شمس الدین محمد شیرازی رحمه الله علیه:
تو خود حجاب خودی حافظ از میان برخیز
سعی کردم که «خودم» را از میان بردارم تا هر چه هست خدا

